



لزوم بهره‌مندی از علوم در فقه / در فقه پویا نباید عناصر پایه‌ای روش آسیب ببیند

رئیس دانشگاه مذاهب اسلامی در تبیین معنای فقه پویا تأکید کرد: از علوم در بعد روش می‌توان در فقه بهره جست ...

رئیس دانشگاه مذاهب اسلامی در تبیین معنای فقه پویا تأکید کرد: از علوم در بعد روش می‌توان در فقه بهره جست و اگر مراجعات به دانشهای امروزی صورت نگیرد ما آنچه را که به عنوان صورت نهایی از موضوع در ذهنمان به عنوان فقیه جای می‌دهیم یک شناخت گاه کاملاً غلط یا ناقص و یا عوامانه خواهد بود. حجت الاسلام احمد مبلغی رئیس مرکز تحقیقات اسلامی مجلس شورای اسلامی درباره فقه پویا به خبرنگار مهر گفت: پویایی یک صفت است به این معنا که فقه باید پویایی داشته باشد و از رکود و خمودگی به دور باشد و به سمت جلو متناسب با زمان و نیازهایی که در گذر و بستر زمان پدید می‌آیند به پیش برود و در دامنه‌های مسائل خود و به تبع در جهت تنقیح یافتگی هرچه بیشتر روش خود حرکت کند.

وی افزود: شاید برخی خاستگاه و جایگاه این پویش را در روش فقه ببینند به این معنی که آنچه موجب پویایی می‌شود روش است و به تبع مسائل علم فقه و رویکردهای آن تغییر پیدا می‌کند، اما برخی که چنین برداشتی دارند یک پویای مطلق را برای روش منظور می‌دارند به این معنا که اگر روش تماماً تغییر یافت باید چنین امری به اقتضای پویش صورت گیرد که این نگاه از دو جهت محل نقد است یکی آنکه اصولاً انحصار پویایی در روش امر نادرستی است؛ گاهی علم بر مسائل خود و دامنه‌های مطالعاتی می‌افزاید بدون اینکه در روش تغییری پیدا کند یعنی با یک روش ثابت به سمت افزودن دامنه و ورود در مسائل نو در فقه می‌رویم که این خود یک نوعی از پویش است.

رئیس دانشگاه مذاهب اسلامی یادآور شد: دوم آنکه اگر پویش در روش به معنای ارائه یک قرائت باشد و آن پویش مطلق و منتهی به دگرگونی تمام روش باشد، این غیرعلمی است. چون وقتی یک علمی در بستر تاریخ شکل می‌گیرد آنچه که گذشته و حال و آینده علم را به هم مرتبط می‌کند، یکی از آنها روش است و اگر روش از ثبات برخوردار نباشد علم وحدت خود را از دست می‌دهد البته این وقتی است که روش به طور کامل عوض شود و هیچ علمی در جهان اینگونه نیست که روش آن به صورت موجبه کلیه و به صورت کامل عوض شود البته می‌پذیریم که پاره‌ای از عناصر روش ممکن است دچار دگرگونی و یا تنقیح یافتگی شود و باید هم بشود اما تصور عوض شدن همه روش به طور کلی به این معناست که وحدت علم دچار دگرگونی شود و آنچه می‌ماند دیگر فقه نیست هرچند که ما بخواهیم به سادگی آن را فقه بخوانیم.

مبلغی توضیح داد: همواره قدر متقین‌هایی در روش وجود دارند که عقلانی و علمی هستند و در جای خود به ثبت و اثبات رسیده‌اند منتهی مشکل ما این است که ما قدر متقین‌ها را نمی‌شناسیم و آنها را با غیرمتقین‌ها - یعنی آنها را با بخشی از عناصری که جای گفتگو و تحول بر آنها می‌رود - مخلوط و ممزوج کردیم بدون اینکه تفکیک و تمایزی بین آنها قائل باشیم در نتیجه از یک نگاه ساده انگارانه و غیرعلمی نسبت به علم فقه برخوردار شده و به چنین خطاهایی دچار می‌شویم. اصولاً یکی از تلاشهایی که باید صورت گیرد این است که آن قدر متقین‌های روشی کشف شود همان روشی که همه دانشمندان علم فقه بر آن اتفاق دارند.

وی تأکید کرد: باید بپذیریم فقه اگر در گذر زمان می‌خواهد پاسخگو باشد و به حوزه‌های جدید ورود پیدا کند و در متن جامعه حضور داشته باشد باید برای آن وجه پویایی قائل باشیم، اما اگر این پویایی به پویایی مطلق تفسیر شود و آن هم نسبت به همه روش، این از نادرست‌ترین سخنانی است که نسبت به فقه زده می‌شود چون عناصری از روش فقه ثابت است و گذشته و حال و آینده را به هم پیوند می‌دهد و البته عناصری از این روش همواره در طول تاریخ دستخوش تحول بوده‌اند و امروزه روش فقهی متکامل‌تر از گذشته است اما هنوز هم بحث تنقیح روش به نقطه پایانی خود نرسیده است و این حرکت ادامه دارد و چه خوب است که روش فقه به صورت عالمانه مورد بحث قرار گیرد و آن پویش ارادی و علمی و به موقع در روش فقه انجام شود بدون اینکه بخواهیم به آن قدر متقین‌ها و عناصر پایه‌ای روش آسیبی وارد گردد.

رئیس دانشگاه مذاهب اسلامی درباره نسبت فقه با علوم جدید گفت: البته این ارتباط یک ارتباط روشی است نه به معنای منبع حکمی. چون منبع حکم در کتاب، سنت، عقل و اجماع انحصار یافته است و نهادن دانش‌ها در جایگاه منابع اشتباه است و اصولاً با هویت فقه ناسازگار است و دلایل بسیار بر رد آن وجود دارد. اما از دانش‌ها در دو نقطه باید استفاده شود یکی در تنقیح روش می‌توان از علومی که به روش می‌پردازند، استفاده کرد- البته نه ویران کردن و بر کندن فقه که خطای بزرگی است - مثلاً علم رجال از مقوله مطالعات تاریخی است و طبیعتاً نباید به روش رایج اکتفا کنیم بلکه می‌توان از روشهایی که مطالعات تاریخی را سامان می‌

دهند استفاده کنیم یا در اصول می توان از دانشهای مشابه و هم افق مثلا تحلیل زبانی و یا هرمنوتیک استفاده کنیم.

حجت الاسلام مبلغی در پایان تأکید کرد: از علوم در بُعد روش می توان در فقه بهره جست و نیز برای دریافت پاسخ فقهی نسبت به موضوعات حتما باید از دانشها استفاده شود به ویژه در مسائل نوپدید و به شدت متحول امروزی که شناخت ماهیت آنها به سادگی میسر نیست و اگر مراجعات به دانشهای امروزی صورت نگیرد ما آنچه را که به عنوان صورت نهایی از موضوع در ذهنمان به عنوان فقیه جای می دهیم یک شناخت گاه کاملاً غلط یا ناقص و یا عوامانه خواهد شد. چون ابتدا باید موضوعات را شناخت و بدانید که چه موضوعی را بر روی میز مطالعه فقهی قرار می دهید تا از آن پس، به سمت منابع بروید. رفتن به سمت منابع مادامی که شناختی از موضوع وجود ندارد، یک رفتن بی هدف، بی خاصیت و مشمول خطاهای بسیار است لذا مراجعه به دانشهای جدید به عنوان بخشی از روش فقهی و البته برای شناخت موضوع، لازم است.